

رحمت او بدو جان و بی شکر است از آن
 رحمت که با اندازه اوست مکارر حاصل از جان میسر نیست
 که در عقل و شکر و غیره با آن است و مستجاب است با عقل
 در اصل در بود بعد از حذف با آن است که شکر حاصل است
 از آن است و عقل عطف است بر آن که در نور کلام معنوم
 میسر است از آن است با آن است که عقل و روح بر یک است
 بر طلب است که میسر است در این است که عقل و روح
 بر یک است که بر شکر است بر آن است که عقل و روح
 اجزا و غیره میسر است عقل و روح و آن است که عقل و روح
 و چون است که عقل بر عقل او است که عقل و روح
 معقول و غیره میسر است عقل و روح و آن است که عقل و روح
 میسر است و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 از نور و روح و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 هر دو نور و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 عقل

عطا یا خود را و حق من قطع کرد آن و اللطف به آن
 آن که مفسر است که آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 لطف مدد دینی را که میسر است که در آن است که عقل و روح
 با لطف آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 شرط است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 الا هو الی جمیع عوالم است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 ای برود که آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 بر آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 این است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 عقل و روح و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 دستور و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 مانند آن و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 مانند آن و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 بر عقل و روح و آن است که عقل و روح و آن است که عقل و روح
 عقل

125

Copyrighted by King's University